

قرآن

حدیث

تفسیر

حروف مشبیهة بالفعل در قرآن

کوکب صفری - ورودی ۷۴

زبان و ادبیات عربی

مقدمه

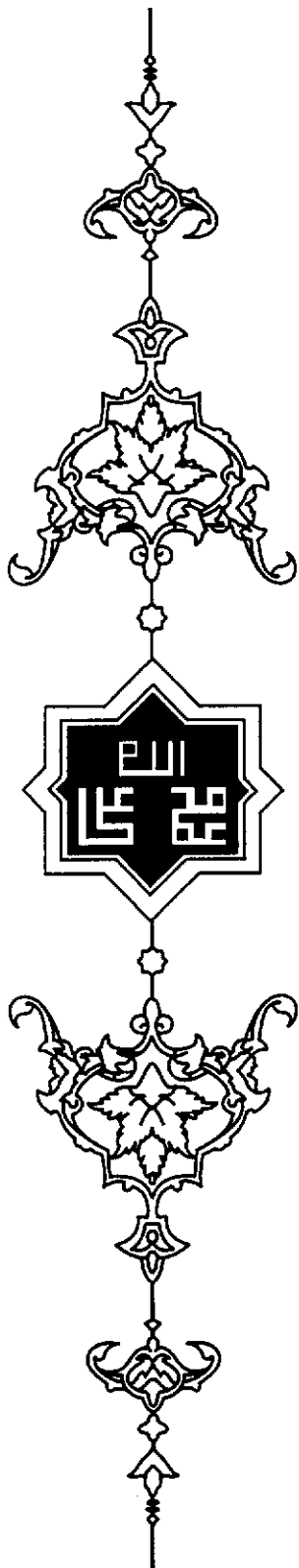
عزیز حکیم.^۱

اگر همه درختان روی زمین قلم شود و آب دریاها به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد، نوشتن حقایق و کلمات الهی ناتمام بماند. همانا خدا را قدرتی بی‌نهایت و حکمتی بی‌پایان است.

قرآن شمع هدایت، جوهر علم درایت، عروة الوثقی متین و ضامن سعادت بشر در دنیا و آخرت است. قرآن نوری است که متحیران بادیه ضلالت به نور هدایت آن به منزل مقصود رسند و شفایی است به غایت سودمند که دردمندان جهالت از دارالشفای آن عارف شوند. قرآن بزرگترین کتابی است که بشر را از ظلمت جهل و کفر به روشنایی و راه مستقیم ایمان رهبری می‌کند. این کتاب مجموعه‌ای جامع و ارزشمند از دستورات و راهنمایی‌هایی مفید است که اگر روزی فهم و درک بشر به کمال معنی آن برسد، دیگر کمبودی نداشته و زندگی را بدون کمترین ناراحتی به سر خواهد برد و به

قرآن در هر چهره‌ای از چهره‌ها و در هر مقامی از مقامهایش از اولین تا آخرین آیه معجزه است. قرآن کتابی است که بافت و تار و پود آن بی‌نظیر است و بصورت یک رشته منظم در همه زمینه‌ها اعم از حروف، کلمات، آیات و سوره، معجزه است. در تمام مطالبی که از گذشته خبر داده و آنچه از آینده بازگو کرده است، در آنچه امر نموده و آنچه نهی کرده، در ساخت و نظم موزونش، در ترکیب کلمات و سبک گفتارش، در مطالب و حقایقش همه معجزه است؛ نه تنها در یک عصر، بلکه در همه زمانها و برای همه ملتها و جوامع بشری تا آن روز که در پیشگاه آفریدگار مهربان و قادر منان حاضر آیند.

گوهرهای حقایق این دریای بزرگ، بسیار گرانبها و در عین حال بی‌شمار است. این حقایق در محدوده آنچه قرآن ذکر نموده است منحصر نمی‌شود؛ بلکه مطلب آن‌گونه است که خدای قادر حکیم فرموده است: "ولو انما فی الارض من شجرة اقلام و البحر میده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله



کمال مقصود خود خواهد رسید. این دستورات اعجازآمیز الهی در دورانهای مختلف اثرات سودبخش خود را نشان داده و به همین مناسبت تمامی دانشمندان و بزرگان جهان را متوجه خود ساخته و این ایده آل نهایی بشر را به آنها نمایانده است. یکی از دلایل حقانیت قرآن، معجزه بودن آن است که در شرایطی بر نبی اکرم ﷺ نازل گردید که جهان بشریت را جهل و نادانی فراگرفته بود. او با بیانی شیوا و بلیغ سخنوران عرب و بلغای آن زمان را به مبارزه طلبید و مجموعه‌ای از علوم و فنون را در خود به نمایش گذاشت. قرآن از جهات و جنبه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از این جنبه‌ها "حروف مشبهة بالفعل" می‌باشد که این مقاله به کندوکاوی در این موضوع اختصاص یافته است.^۱

قرآن در تعریف ساده و عرفی، کتاب مقدس و آسمانی اسلام و وحی الهی بر حضرت محمد ﷺ و در تعریف علمی، وحی نامه اعجازآمیز است که به زبان عربی توسط فرشته امین وحی - جبرئیل - از جانب خداوند و لوح محفوظ به قلب و زبان پیامبر اسلام اجمالاً و تفصیلاً در مدت ۲۳ سال نازل شده است. این کتاب آسمانی در مقایسه با سایر کتب، کتابی است متوسط الحجم و طبق دقیق‌ترین آمار دارای ۱۱۴ سوره، ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب است.

بزرگترین سوره آن بقره و

کوچکترین سوره کوثر است، این کتاب آسمانی با فاتحه‌الکتاب شروع و به سوره ناس ختم می‌شود. تعداد کل کلمات قرآن ۷۷۸۰۷ کلمه است که از مجموع این تعداد حدود ۲۵۵۶ حروف مشبهة بالفعل است.

لیت

در قرآن چهارده مورد لیت با حرف ندای "یا" به کار رفته است که در یازده مورد با قال آمده است به عبارتی می‌توان گفت لیت با اسم و خبرش حالت مقول قول دارد و در هر چهارده مورد لیت به معنی خودش یعنی تمنی به کار رفته است. بطور مثال شخص گناهکار در روز قیامت می‌گوید:

"يقول الكافر ياليتني كنت ترابا"؛
ای کاش من خاک بودم.

در مثال فوق لیت به معنی طلب مستحیل (تمنا) است.

خبر لیت جمله فعلیه، جمله اسمیه، شبه جمله است و خبر مفرد به کار نرفته است.

در هشت مورد لیت با ضمیر "ی" متکلم و یک مورد با ضمیر "ها" مونث و در دو مورد با ضمیر "نا" و سه مورد بدون ضمیر و تنها به کار رفته است.

كَانَ وَكَانَ

این دو واژه در قرآن جمعاً ۴۰ بار به کار رفته که ۳۰ مورد مخففه از مثقله است و اسم آن ضمیر شأن محذوف و خبرش در این نه مورد همیشه جمله فعلیه است. بین اسم کَانَ و خبرش در

این ۳۰ مورد "لم جازمه" آمده است می‌دانیم که اگر خبر جمله فعلیه مثبت باشد "قد" فاصل بین اسم کَانَ و خبرش است ولی اگر منفی باشد حتماً فاصل بین اسم کَانَ و خبرش "لم" است پس نتیجه می‌گیریم که خبر کَانَ در این ۳۰ مورد جمله فعلیه منفی بوده است.

"كَانَ" سی و یک مورد به کار رفته که از این موارد پنج بار کَانَ با "ما كافه" مهمل شده و اسم و خبر ندارد و جمله بعد از کَانَ در پنج مورد جمله فعلیه است.

شایان ذکر است که کَانَ چه مخففه از مثقله و چه مثقله در همه موارد برای تشبیه به کار رفته است. خبر کَانَ در سی و یک مورد مفرد، جمله اسمیه، جمله فعلیه یا شبه جمله آمده است.

لعل

واژه لعل ۱۵۹ مورد در قرآن با ضمائر مختلف یک مورد لعلنا و سه مورد لعله و ۴۴ مورد لعلهم و شش مورد لعلی و سه مورد لعل و چهار مورد لعلک و ۶۸ مورد لعلکم به کار رفته است که از موارد فوق در لعلکم و لعلهم خبر جمله فعلیه بوده و در موارد دیگر خبرش هم جمله فعلیه و هم اسمیه است.

لعل در تمام موارد برای ترجیحی و رجا به کار رفته ولی در آیه ۶۲ سوره مبارکه یوسف لعل متضمن معنی اشتقاق است. در آیه ۳۸ سوره قصص

(۱) رادمنش - سید محمد: آشنایی با علوم

قرآن

(۲) نیا، ۴۰

لعلّ متضمن ترجی و رجاء و نیز متضمن معنای تمنی است و در هر دو مورد لفظ لعلی به کار رفته است. اما لفظ لعلکم بیشتر به کار رفته چون خطاب خدا به کل مسلمانان است.

در آیه ۳۶ سوره مؤمن موردی است که لعلّ متضمن معنای ترجی و تمنی است: "وقال فرعون یا هامان ابن لی صرحاً لعلی ابلغ الاسباب"^۱ فرعون به وزیرش هامان گفت که من هیچ کس را به غیر از خود خدای شما نمی دانم. ای هامان خشتی در آتش پخته و از آن بر من قصری بلندپایه بنا کن تا من بر خدای موسی اگر راست می گوید مطلع شوم هر چند او را در دعوی رسالت دروغگو می پندارم"

لکن و لکن

واژه های لکن و لکن هر کدام ۶۵ بار در قرآن به کار رفته است. "لکن" مخففه از مثقله غالباً مهمل شده و اسم و خبر ندارد و قبش او و حالیه یا عاطفه آمده است ولی "لکن" مخففه از مثقله در آیه ۱۰۶ سوره نحل بدون او آمده که عمل لکن را انجام داده و اسمش هو مستتر محلاً منصوب و خبرش جمله اسمیه "من کفر بالله" است و در آیه ۲۰ سوره زمر "لکن" حرف عطف و اضراب است و معنی بل می دهد. لکن و لکن در تمام موارد برای استدراک و رفع ابهام به کار رفته است.

جمله پس از لکن مخففه از مثقله غالباً یا فعلیه است یا اسمیه ولی جمله اسمیه بیشتر دیده می شود و در لکن خبر

بیشتر بصورت جمله فعلیه آمده است.

أَنَّ وَأَنَّ

أَنَّ در قرآن ۳۶۰ بار به کار رفته که در هجده مورد با "ما" آمده و أُنَّ یا ائِمَّا با اسم و خبرش همه نقشها (فاعل - مفعول - مبتدا - خبر - مجرور به حرف جر و...) را پذیرفته اند ولی بیشتر أُنَّ و دو معمولش سد مسد دو مفعول افعال قلوب را کرده اند و خبر أُنَّ جمله فعلیه یا اسمیه و یا مفرد در قرآن به کار رفته و خبر شبه جمله نسبت به موارد فوق کمتر استعمال شده است.

در هجده موردی که أُنَّ با ما کافه به کار رفته در بعضی موارد ما متصل به أُنَّ، مای موصوله است و حق این بود که جدا نوشته شود ولی کتابت مصحف به این صورت بوده که متصل نوشته شده است مانند:

"ولا یحسین الذین کفروا ائِمَّا نملی لهم خیر"^۲

أُنَّ: حرف مشبّهة بالفعل

ما: موصول، اسم أُنَّ که باید جدا نوشته می شد.

ئِملی: صلّه

لهم: جارو مجرور متعلق به نملی

خیر: خبر أُنَّ است.

در سیزده مورد از این هجده مورد، ائِمَّا با مابعدش تأویل به مصدر است و مصدر مؤولش سد مسد دو مفعول افعال قلوب را کرده و پنج مورد باقی مانده أُنَّ و ما بعدش نقش فاعل و یا نایب فاعل را پذیرفته است. مانند:

"ولو أنّا فی الارض"

لو: حرف شرط غیر جازم

ائِمَّا: ما کافه و مکفوفه محلاً

مرفوع، فاعل برای فعل محذوف (ثبت)

یادآوری

محمود صافی در کتاب الجدول

فی اعراب القرآن جلد ۲۰، ۲۱ و ۲۲

در پاورقی صفحه ۷۲ آورده است:

"لا عبرة بما الکافة اذا بیق (أُنَّ) علی

مصدریته"

"ما" کافه بر "أُنَّ" مصدری اثر

نمی گذارد یعنی أُنَّ مصدری با "ما"

کافه مهمل نمی شود.

آیاتی که در آن ائِمَّا آمده است:

| سوره | آیه | جزء | شماره سوره |
|----------|--------|-----|------------|
| آل عمران | ۱۷۸ | ۳ | ۳ |
| مائده | ۴۹-۹۲ | ۶ | ۵ |
| انفال | ۲۸ | ۹ | ۸ |
| هود | ۱۴ | ۱۲ | ۱۱ |
| رعد | ۱۹ | ۱۳ | ۱۳ |
| ابراهیم | ۵۲ | ۱۳ | ۱۴ |
| کهف | ۱۱۰ | ۱۵ | ۱۸ |
| انبیا | ۱۰۸ | ۱۷ | ۲۱ |
| مؤمنون | ۵۵-۱۱۵ | ۱۸ | ۲۳ |
| صافات | ۲۴-۷۰ | ۲۳ | ۳۷ |
| غافر | ۴۳ | ۲۴ | ۴۰ |
| ص | ۷۰ | ۲۳ | ۳۸ |
| قصص | ۵۰ | ۲۰ | ۲۸ |
| لقمان | ۲۷ | ۲۱ | ۳۱ |
| حدید | ۲۰ | ۲۷ | ۵۷ |

(۱) مؤمن، ۳۶

(۲) آل عمران، ۱۷۸

اُن

در قرآن ۶۱۷ بار آمده است که از این تعداد، ۲۸ مورد "اُن" مخففه از مثقله و ۵۸۹ مورد "اُن" ناصبه مصدری است. ۲۸ مورد "اُن" مخففه از مثقله اسمش ضمیر شأن "هو" و خبر جمله اسمیه و یا جمله فعلیه است که البته بیشتر جمله فعلیه به کار می‌رود و جمله اُن مخففه از مثقله با اسم و خبرش تأویل به مصدر رفته و مصدر مؤولش نقشهای گوناگونی مانند (فاعل - مفعول - مبتدا - خبر و...) را پذیرفته است ولی بیشتر سد مسد دو مفعول افعال قلوب را کرده است.

هنگامی که اُن مخففه شده است:

- ۱- اسمش ضمیر شأن محذوف است؛ "ایحسب اُن لم یقدر علیه احد" ^۱
- ۲- خبرش فقط جمله است "اشهد

اُن لا اله الا الله
خبر جمله اسمیه

خبر اُن مخففه:

۱- جمله اسمیه:

الف) مثبت (به فاصل نیاز ندارد)؛
و "و آخر دعواهم ان الحمد لله رب
العالمین" ^۲
بدون فاصل

ب) منفی که به فاصل نیاز دارد:
"اشهد ان لا اله الا الله"
۲- جمله فعلیه:

الف) فعل غیر متصرف که به فاصل نیاز ندارد: "وان لیس للانسان الا ما سمی" ^۳
ب) فعلش متصرف باشد و افاده دعا کنند که به فاصل نیاز ندارد
"والخامسة ان غضب الله علیها" ^۴

ج) فعلش متصرف و دعایی نباشد.

فاصل إما

اِنَّ و اِنَّ

در قرآن ۱۶۷۹ بار اِنَّ به کار رفته که از این تعداد ۱۱۸ مورد اِنَّ و اِنَّ مخففه از مثقله در تمام آیات برای تأکید به کار برده شده و اِنَّ غالباً همراه با لفظ جلاله "الله" همراه است.

انواع خبر بخصوص خبر مفرد برای اِنَّ به کار برده شده است و اِنَّ با "ما" کافه ملغی از عمل شده و در تمام آیاتی که اِنما به کار رفته، اِنما مفید حصر است و غالباً بعد از اِنما جمله اسمیه آمده است.

اِنما چون صدارت طلب است همیشه در اول آیات آمده و اگر هم در وسط آیه آمده باز هم اول جمله است. در قرآن ۶۹۲ مورد "اِنَّ" به کار رفته که از این تعداد ۱۰۵ مورد "اِنَّ" نافیه است و ده مورد "اِنَّ" مخففه از مثقله و ۵۷۷ بار "اِنَّ" شرطیه و ۱۰۵ بار "اِنَّ" نافیه دیده شده است. در تمام آیاتی که بعد از "اِنَّ" واقع شده الّا ادات حصر آمده است و حتی اگر الّا در آیات نبود لَمّا در جمله به معنی الّا بعد از "اِنَّ" نافیه آمده است.

- ۱) البلد، ۵
- ۲) یونس، ۱۰
- ۳) النجم، ۳۹
- ۴) نور، ۹
- ۵) الجن، ۲۸
- ۶) مزمل، ۲۰
- ۷) البلد، ۷
- ۸) الجن، ۱۶

۱- قد: "لیعلم اُن قد بلغوا" ^۵
۲- حروف تنفیس (س - سوف):
"علم ان سیکون منکم مرضی" ^۶
۳- حروف نفی: "ایحسب ان لم یره احد" ^۷
۴- لو: "وان لو استقاموا" ^۸
به اعتقاد نحویون استفاده از "اُن" مخففه از مثقله و کان مخففه از مثقله با فاصل به این جهت است که ما از اُن و کأُن یک "نون" حذف می‌کنیم عمل آنها تضعیف می‌شود و این فاصل سبب تقویت عمل آنها می‌شود ولی در اِنَّ مخففه از مثقله چون اکثراً اِعمال است و دیگر عمل نمی‌کند پس نیاز به تقویت کننده عمل هم ندارد.

آیاتی که در آن اُن مخففه استعمال شده است:

| سوره | آیه | جزء | شماره سوره |
|----------|--------------|-----|------------|
| آل عمران | ۱۷۰ | ۳ | ۳ |
| نساء | ۱۴۰ | ۵ | ۴ |
| اعراف | ۴۴-۴۴-۱۰۰ | ۹ | ۷ |
| توبه | ۱۱۸ | ۱۰ | ۹ |
| یونس | ۱۰ | ۱۱ | ۱۰ |
| هود | ۱۴ | ۱۲ | ۱۱ |
| کهف | ۴۸ | ۱۵ | ۱۸ |
| انبیاء | ۸۷-۸۷ | ۱۷ | ۲۱ |
| حج | ۲۲ | ۱۷ | ۲۲ |
| محمد | ۲۹-۲۹ | ۲۶ | ۴۷ |
| نجم | ۳۹-۳۹ | ۲۷ | ۵۳ |
| تغابین | ۷ | ۲۸ | ۶۴ |
| جن | ۵-۷-۱۲-۱۶-۲۸ | ۲۹ | ۷۲ |
| مزمّل | ۲۰ | ۲۹ | ۷۳ |
| قیامت | ۳ | ۲۹ | ۷۵ |
| انشقاق | ۱۴ | ۳۰ | ۸۴ |
| بلد | ۵-۷ | ۳۰ | ۹۰ |

نمودار آماری از حروف مشبّهة

بالفعل در قرآن:

- لَمَّل ۱۵۹

- لَكَنَّ - لَكَنَّ ۱۳۰

- لَيْتَ ۱۴

- كَأَنَّ وَكَأَنَّ ۴۰

- أُنَّ ۳۶۰

- إِنْ ۱۶۷۹

- إِنْما ۱۱۸

- أُنَّما ۱۸

- أُنَّ ۶۱۷ (۲۸ مخففه از مثقله)

- إِنْ ۶۹۲ (۱۰۵ نافیه، ۱۰ مخففه از

مثقله، ۵۷۷ شرطیه)

(۱ الطارق، ۴

۲) یس، ۳۲

در این ده مورد که "إِنْ" مخففه از مثقله به کار رفته اگر ان عامل باشد اسمش ضمیر شأن محذوف است و خیر "إِنْ" مخففه از مثقله در قرآن هم جمله فعلیه است و هم جمله اسمیه ولی بیشتر جمله فعلیه به کار برده شده و در خیر "إِنْ" مخففه از مثقله لام به کار برده شده که به این لام، لام فارقه گویند که نشان دهنده این است که این "إِنْ"، "إِنْ" شرطیه نیست بلکه "إِنْ" مخففه است.

قابل ذکر است که در همه سوره‌های قرآنی حروف مشبّهة بالفعل به شکلی کاربرد دارد و سوره‌ای نیست که در آن از حروف مشبّهة بالفعل استفاده نشده باشد.

"إِنْ كَلَّ نَفْسٌ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ" ۱
 "وَإِنْ كَلَّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ" ۲
 خیر در "إِنْ" نافیه از همه موارد (مفرد - جمله اسمیه - فعلیه - شبه جمله) به کار برده شده ولی بیشتر خیر مفرد و مشتق بوده است.
 آیاتی که در آن "إِنْ" مخففه استفاده شده است:

| سوره | آیه | جزء | شماره سوره |
|-------|--------|-----|------------|
| اعراف | ۱۰۲ | ۸ | ۷ |
| طه | ۶۳ | ۱۶ | ۲۰ |
| شعرا | ۴۱ | ۱۹ | ۲۶ |
| قصص | ۱۰ | ۲۰ | ۲۸ |
| صافات | ۵۶-۱۶۶ | ۲۳ | ۳۷ |
| زمر | ۵۶ | ۲۳ | ۳۹ |
| قلم | ۵۱ | ۲۹ | ۶۸ |

فهرست منابع و مآخذ

۱- حسین- عباس: النحو الوافی، انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوم

۲- یعیش- موفق الدین: شرح مفضل، انتشارات ناصر خسرو، ج ۲

۳- ابن هشام انصاری- جمال الدین: مغنی اللیب عن کتب الاعراب، نشر کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ

چهارم، دو جلدی

۴- الشیرازی- السید صادق: شرح السیوطی توضیحات البهجة المرضیه فی شرح الالفیه، چاپ دوم، دو جلدی، ۴۵۴ صفحه

۵- عمایره- اسماعیل احمد و مصطفی السید- عبدالمحمد: معجم الادوات و الضمائر فی القرآن الکریم، دارالفکر ایران قم.

۶- درویش- محی الدین: اعراب قرآن کریم و بیان، دارابن کثیر، چاپ چهارم، ۱۰ جلدی

۷- صافی- محمود: الجدول فی اعراب القرآن و صرفه: نشر دارالرشید دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۵ جلدی

۸- زمخشری الخوارزمی- ابی القاسم جارالله محمود بن عمر: الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه

التأویل، نشر آفتاب، ۴ جلدی

۹- العکبری- ابی البقاء عبدالله بن الحسین بن عبدالله: املاء ما من به الرحمن من وجده الاعراب و القراءات فی جمیع

القرآن، تصحیح و تحقیق ابراهیم عطوه عوض، نشر مکتب الصادق تهران، ۲ جلدی

اعجاز عددی در قرآن کریم

فاطمه کاوسی‌فر-ورودی ۷۴

معارف اسلامی

فی الارض^۸؛ این قرآن کتابی است که به سوی تو فرستاده‌ایم تا مردمان را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به روشنایی بیرون آوری، به راه خدای قاهر و ستوده که هرچه در آسمانها و زمین است از آن اوست.

و حقاً هیچ کتابی چون قرآن کریم نمی‌تواند آدمی را با خدا مانوس کند و به بندگی تشویق و ترغیب نماید و نفس را از آلودگی‌های گناه دور سازد و به اخلاص و تهذیب عادت دهد و البته در این کار هم نظام لفظی قرآن مؤثر است و هم معانی و مفاهیم خاص قرآنی، هم سخنان قرآن از گذشته‌ها کارایی دارد و هم پیشگویی‌های آن درباره رویدادهای آینده. هم معارف قرآنی نقش حساسی را ایفاء می‌کند هم قواعد اخلاقی و احکام و آداب آن. پس این وجه از اعجاز جامع همهٔ وجوه و حائز تمام امتیازات است.

البته شمارش امتیازات قرآن کریم اقسیانوسی بی‌کمران است. اما در شماره‌های آینده به اعجاز عددی قرآن اشاره خواهیم داشت.

ادامه دارد

آینده است. مانند آیاتی از قبیل: "لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام..."^۳ "وعدالله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض..."^۴

اگر ما به خود قرآن بازگردیم و در آن تفحص کنیم می‌بینیم که قرآن کریم اعجازش را در شیوهٔ "هدایت خلق" یادآور می‌شود چنان که می‌فرماید: "قل فاتوا بكتاب من عندالله هو اهدى منها أتبعه ان كنتم صادقين"^۵؛ "بگو اگر راست می‌گویید کتابی از نزد خدا هدایت‌کننده‌تر از ایندو (تورات و قرآن) بیاورید، تا من پیرو آن باشم. و نیز می‌فرماید: "ان هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم"^۶؛ این قرآن است که به طریقه‌ای که از همهٔ راهها درست‌تر است هدایت می‌کند. البته مقصد هدایت نیز در قرآن کریم بیان شده که رهنمایی به صراط مستقیم یا راه خداست، راهی که به قرب حق تعالی و رضای او می‌انجامد. چنانکه می‌خوانیم: "و انك لتهدى الى صراط مستقيم، صراط الله الذي له ما في السموات و ما في الارض"^۷؛ تو خلق را به راه خدا هدایت می‌کنی، راه خدایی که هرچه در آسمانها و زمین هست از آن اوست. و به تعبیر دیگر، اعجاز قرآن در شیوهٔ نجات انسان از ظلمتها و بردن او به سوی نور است. "الركتاب أنزلناه اليك ليخرج الناس من الظلمات الى النور بإذن ربهم الى صراط العزيز الحميد الله الذي له ما في السموات و ما

قال علي ﴿عَلَيْهِ﴾: "ان القرآن ظاهره أنيق و باطنه عميق لا تفتي عجائبه و لا تنقض غرابته؛ ظاهر قرآن شگفت‌انگیز و باطنش ژرف است، عجایب آن پایان‌پذیرد و نوادر آن از میان نرود.

قرآن کریم، معجزه پایدار پیامبر راستین اسلام است و در این سخن جای تردید نیست. چهارده قرن است که قرآن مجید همه را فرا خوانده و صلای عام در داده که اگر در خدایی بودن این کتاب تردیدی دارید سوره‌ای مانند آن بیاورید. "وإن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فاتوا بسورة من مثله"^۱، اما این دعوت قرآنی همچنان بدون اجابت مانده و چنانکه خود قرآن کریم پیشگویی نموده برای همیشه بی‌پاسخ خواهد ماند: "ولن تفعلوا"^۲ اکنون سخن در این است که قرآن کریم از چه حیث معجزه است؟ یکی از جنبه‌های اعجاز آن اینست که در حد اعلای زیبایی و شیوایی و درخشندگی قرار دارد. بطوری که "ابو العلاء معری" یکی از نامورترین شاعران و ادیبان عرب می‌نویسد: "هرگاه یک آیه از آن یا بخشی از یک آیه، در میان فصیح‌ترین سخنان که آفریدگان بر آن توانایی دارند، قرار گیرد مانند شهاب درخشنده‌ای است در پاره‌ای از ظلمت شب!"

وجه دیگری که در زمینه اعجاز قرآن گفته‌اند، اخبار غیبی آن است، چه اخباری که از گذشته سخن می‌گوید و چه اخباری که مربوط به

(۱) بقره، ۲۳

(۲) بقره، ۲۴

(۳) فتح، ۲۷

(۴) نور، ۵۵

(۵) قصص، ۴۹

(۶) اسراء، ۹

(۷) شوری، ۵۲ و ۵۳

(۸) ابراهیم، ۱ و ۲